



۲۰۱۷/۱۰/۱۶

مصطفی عمرزی

تفاوت های نجومی معاشات دولتی



صبح امروز، مصاحبه ی محمد مبارز، از قهرمانان ورزش افغانستان را شنیدم که تادیه ی ماهانه 800 الی 1000 افغانی معاش برای ملی پوشان ورزش را توهین دانست. این، خوب ترین معنی از برخورد هایی ست که در یک نظام سراپا فاسد، تفاوت های ظاهری و باطنی به فاصله ی نجومی می رسند.

وزارت مالیه در یکی از نوادر آن چه دست آورد های مالی خوانده می شود، با تعیین حد مالیه بر مصرف کارت های موبایل، از انقلابی یادآور شد که در عرصه ی «کمایی»، رونما شده است. در همان زمان، منتقدان این «کمایی»، ضمن تایید تنظیم سیستم مالیه، هر چند مخالفت نکردند و حتی به سطح عامه، قبول این حقیقت که با سیستم مالیه ی درست، وضعیت عمومی کشور سامان می یابد، همه پذیرفتند که مقداری از سهم «گفت و گو»، به سهم پُرگویی رسانه یی دولتی، پول شود، اما نگرانی ها از این حقیقت که از این پول ها، رنگ زنده گانی مفتخواران و حقوق بگیران بی شمار دولتی که حالا در تشکیلات اضافی و باردوش «ریاست اجراییه»، هزاران دشمن وطن نیز سود می گیرند، بیشتر نشود، بر جا ماندند.

د پانو شمیره: له 1 تر 2

افغان جرمن آنلاين په درنښت تاسو همکارۍ ته رابولي. په دغه پته له مور سره اړیکه ټينګه کړئ maqalat@afghan-german.de

یادونه: دلیکنی د لیکنیزې بڼې پازوالی د لیکوال په غاړه ده، هیله من یو خپله لیکنه له رالیرو مخکې په خیر و لولئ

در دنیای مجازی ما، چیزی برای نماندن وجود ندارد. بنابراین در فرهنگی که امید است پویا تر و وسیع تر شود، افشای اسناد دولتی، ضد و بند ها، معاملات، فهرست استخدام های غیر قانونی و صدها مورد دیگر، ماشین افشاگری های عامه ی افغانان را واداشته است در هر فرصتی که به دست می آورند، در محدوده ی دولتی «کاپی» بگیرند و از برکت این جرات و حق پسندی، مجموعه ی بزرگی در رسانه ها، ته و بالا و دست به دست می شوند که چه گونه در یک نظام مشکل دار، در عقب صحنه، اموری در جریان اند که در روی صحنه، پشت صحنه را رنگ می کنند.

تبلیغات دولتی در عرصه ی کمالاتی که بیشتر چیزی جز مجموعه ی ارایه ی «تیوری ها» و ادارات خبرپراگنی نیستند، در چند سال اخیر، در بیانات مسوولان دولتی از تصامیمی اطلاع رسانی می کنند که فقط پس از تدقیق و عبور از ظاهر مساله، عقب دیوار های دولتی نشان می دهد تفاوت های درآمد، پول و اقتصاد در کشوری که به قول مسوولان آن، بدون کمک های جامعه ی جهانی، یک هفته عمر دارد، به اندازه ای است که اگر میادین جهانی، جوانان افغان را با زحمت و پشتکار خودشان به حیثیت و مدال می رسانند، شک نکنید که در 16 سال اخیر، آن چه آورده اند، بیشتر از همان اقتصاد حلال، اما بسیار پایین افغانی بود.

فکرش را بکنید کسانی که در تشناب های عمومی، کار می کنند، ماموران تنظیف شاروالی، معلمان مکاتب، مستخدمان و بالاخره عامه ی جوانان افغان که در صفوف اردو و پولیس خدمت می کنند، در اخذ آن چه مکافات کار آنان است، از تفاوت چند ماه معاش تا تفاوت چند سال معاش، در پایین ترین رده های حقوق بگیران دولت، در برابر مجموعه ای قرار دارند که فقط به سطح تشکیلات چهار اطراف رییس اجراییه، در نمونه هایی مانند سخنگوی رییس اجراییه، یا این معلوم الحال بی حیثیت با معاش ماهانه تا 10 هزار دالر امریکایی، فاصله دارند. در حالی که کار و شخصیت رحیمی ها برای افغانستان، به اندازه ی خدمات و حیثیت موظفین تشناب های شهری نیز اهمیت ندارد.

آوردن اسناد و مدارکی که در گسترده گی رسانه های جمعی پخش می شوند، شاید در هر نوبت بسیار جالب نباشند؛ زیرا دسترستی مردم به آن ها، مصداق «خواندن، کی بود مانند دیدن»، به معنی ارزش یک تصویر، بیش از ده هزار کلمه، مردم را می فهمانند که در مدینه ی فاضله ی 16 سال اخیر، چه تعداد فاضل بوده اند و چه قدر فاضله؛ اما سعی برای وضاحت، در تعمیم این ذهنیت کمک می کند که آن چه می بینیم، از چه عناصر، چهارچوب و اجزایی ساخته شده است که شاید درک آن برای عامه ی ظاهر بین، بسیار آسان نباشد. مثلاً به یک فرآورده ی تخیلی بنگرید! صورت و سهولت های آن، زود باعث استفاده و تحسین می شود، اما در زمان تخریب و عدم کفایه، قضیه را کسانی حل می کنند که می دانند این وسیله در چه مجموعه ای ساخته شده است.

برای یافت راه حل در اموری که بدون شک به ثبات اجتماعی کمک می کند، ارزشمندی بررسی همه جانبه، بدون غرض و تمایل، سطح بی عدالتی هایی را پایین می آورد که اگر همانند زمان حال ما بمانند، بقای آن چه به نام دست آورد های چند سال اخیر می نامند، به وصله هایی بسته است که مثلاً با تفاوت های نجومی نمونه ی معاشات کارمندان دولتی، چند رشته ی باریک را می سازند و مردم در نارضایتی از فاصله ها، به همان مسیری می روند که در انواع تجربه ی تاریخی، گسست از حاکمیت است.

از صورت معاش کسانی که در روی جاده ها، مصروف پاک کاری شهر اند- در این سلسله به خدمه، فعله و بالاخره تا طبقات آخر، ارقامی که تفاوت ها را نشان می دهند، از زمین به آسمان می رسند.

در این اعتراض، نمی خواهم ملاحظاتی منظور نشوند که می دانیم مجموعه ی «درکار» دولتی، چه ظرفیت ها دارند و چه گونه کار می کنند. سطح نارضایتی مردم از آن چه کار مامور دولتی می دانند، به اتفاق آراء، به اکثریت می رسد، اما تفاوت های پرداخت معاش از بودجه ی دولتی که هنوز بسیار خیراتخور است، ظاهراً در طبقاتی نجومی می شود که چند دسته از بی حیثیت های سیاسی، افراد تحمیلی، خویشان و نزدیکان مسوولان بلندپایه در رشته ها و وصله های قومی، حزبی و غیره، فقط با این تفاوت که سر و صورت شان از تکدر حال موظفی که در یک تشناب شهری، کار می کند، نو تر است، اما در این حقیقت محض که حتی به اندازه ی آن مجبور، ارزش ندارند، و امی دارد پیشنهاد کنیم با تصحیح معاشات دولتی، به ویژه در سطح بی کاران، بی حیثیت ها و بی سوادانی که به نام، در دولت صعود کرده اند، میلیون ها دالر دیگر را برای بودجه ی این مملکت فقیر، ذخیره کنید!

من شک ندارم که وارد کردن اصلاحات و کاهش معاش بی کاران سطح بالای دولتی، کمتر از مفاد مالیاتی نیست که از سهم گفت و گوی مردم در سهم پُرگویی دولتی، ذخیره می کنند.

ملی پوشان افغان، همان هایی که با بهاوی، نیک پا، مبارز، قادری و ده ها تن دیگر می شناسیم، خوب به یاد می آورند که در چند صد منظر تصاویر سلفی، دولتداران سطح بالا را در تبلیغات رسانه یی کمک کرده اند، اما معاشات 800 و 1000 افغانی گی را نیز فراموش نخواهند کرد.

پایان